

## بررسی شیوه‌های طبقه‌بندی اعضا در تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی: رویکردی تحلیلی گفتمانی به برنامه‌های متمرکز بر موضوع‌های دینی «پرگار»<sup>۱</sup>

محمد مهدی فرقانی<sup>۲</sup>، حسین بصیریان چهارمی<sup>۳</sup>

و سارا مهدوی<sup>۴</sup>

### چکیده

طبقه‌بندی اعضا<sup>۵</sup>، اصطلاحی است که ابتدا هاروی ساکس<sup>۶</sup> در اواسط دهه ۱۹۶۰ مطرح کرد. کوشش‌های اولیه ساکس به ارائه طرح اولیه‌ای از ابزار طبقه‌بندی اعضا (MCD)<sup>۷</sup> انجامید که در آن به خود طبقه‌ها و ویژگی‌هایشان پرداخت. مقاله حاضر، با هدف بررسی شیوه‌های طبقه‌بندی اعضا به مثابه رویکردی تحلیلی گفتمانی، با بررسی برنامه‌های متمرکز بر موضوع‌های دینی پرگار که در فاصله سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ از تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی پخش شده‌اند، تلاش می‌کند عناصر کلیدی کار ساکس در پیوند معناشناسانه با الگوی سه‌مرحله‌ای نورمن فرکلاف<sup>۸</sup> را، توصیف، تفسیر و تبیین کند.

نتایج بدست‌آمده، گویای آن است که تنها در حدود یک‌سوم واژه‌ها و تعابیر استفاده‌شده برای اسلام به نسبت مثبت بوده و دوسوم دیگر، منفی و در بسیاری از مواقع مبتنی بر کلیشه‌های ضداسلامی بوده است. تحلیل گفتمان انتقادی این برنامه‌ها با محوریت برنامه ذات اسلام نیز نشان داد که پرگار، اسلام را به‌طور عمده دین خشونت، تحجر، ناراستی، ضدمدرنیسم و ناقص حقوق بشر معرفی کرده است.

### واژه‌های کلیدی

طبقه‌بندی اعضا، تحلیل گفتمان انتقادی، پرگار، اسلام، بی‌بی‌سی فارسی.

تاریخ دریافت: آبان ۹۱

تاریخ پذیرش: اسفند ۹۱

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «تحلیل گفتمان انتقادی و مخاطب برنامه تلویزیونی پرگار» است که در پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری انجام شده است.

۲. دانشیار علوم ارتباطات اجتماعی؛ دانشگاه علامه طباطبایی.

۳. دکترای علوم ارتباطات اجتماعی؛ دانشگاه علامه طباطبایی؛ مدرس و پژوهشگر (نویسنده مسئول)

۴. کارشناس ارشد تبلیغ و ارتباطات فرهنگی؛ دانشگاه سوره

hossein.basirian@gmail.com

saramahdavi65@gmail.com

5. Membership Categorization

6. Harvey Sacks

7. Membership Categorization Devices

8. Norman Fairclough

## ❖ مقدمه

تحقیق دربارهٔ طبقه‌بندی اعضا، حدود ۵۰ سال پیش و در سال‌های ۱۹۶۳ و ۱۹۶۴ توسط هاروی ساکس طرح شد و در سال ۱۹۷۲ در مجموعه‌ای دوجلدی به چاپ رسید (ساکس، الف، ب ۱۹۷۲). پس از آن، در سال ۱۹۹۲ هم‌زمان با انتشار درس‌هایی بر گفتمان (ساکس، ۱۹۹۲) با ویرایشی تازه، منتشر شد. این مباحث، در اجرای پژوهش تبعاتی در پی دارد که هم به‌طور کلی برای علوم اجتماعی و هم به‌طور ویژه برای تحلیل گفتمان قابل بررسی است و در نهایت تلقی اولیه از برخی مسائل در پیشبرد خط پژوهشی تحلیل گفتمان را به دنبال می‌آورد.

امانوئل شگلف<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) معتقد است بخش عمده‌ای از توجه عمومی به کارهای ساکس، هنگامی آغاز شد که به‌مثابه میراثی تاریخی با آن برخورد شد. کسانی که تلاش کردند تا تحلیل‌های خود را با آن منطبق سازند یا بخشی از آن را در رویکردهای تحلیل گفتمانی خود تبیین کنند، اغلب متون محوری بحث را سخت و مشکل و یا حتی ارتباط‌ناپذیر یافتند؛ به‌همین خاطر در مقاله‌ای با عنوان «آموختاری بر طبقه‌بندی اعضا»<sup>۲</sup> دسترس‌پذیری و پُربار بودن موضوع را برای کسانی که به‌تازگی با متون ساکس در تماس بوده‌اند تشریح کرده است. شگلف کسانی را که اغلب در معرض سوءبرداشت بوده‌اند و به‌دلیل درک نادرست از آثار ساکس به بیراهه رفته‌اند، توصیه می‌کند تا به مقالهٔ اخیرش که مطالعه‌ای عملی در دستیابی صحیح به این شیوهٔ تحلیل گفتمانی است، مراجعه کنند (شگلف، ۲۰۰۷: ۴۶۴-۴۶۲).

این مقاله نیز، برداشتی مبتنی بر همان توصیه‌هاست که با خوانش و برگردان فنون به‌کارگیری آن، راهگشای نویسندگان در تحلیل گفتمان انتقادی برنامه‌های متمرکز بر موضوع‌های دینی پخش شده از برنامهٔ «پرگار» به‌مثابه برنامه‌ای نخبه‌ساخت در تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی شده است؛ به‌همین دلیل نقاط قوت و ضعف آن پیش از تحلیل گفتمان، تعیین شده و سپس عناصری که معناگونه بوده‌اند انتخاب شده‌اند. در نهایت، برخی از عناصر که در مقابل سوءبرداشت‌ها آسیب‌پذیر بوده‌اند، کنار گذاشته شده و قوانین و قواعد ارائه‌شده از شگلف و ساکس، در تحلیل برنامه‌های انتخاب‌شده و مبتنی بر خطوط پژوهشی، فراروی‌مان قرار می‌گیرد.

---

1. Emanuel A. Schegloff

2. A Tutorial on Membership Categorization

## طرح مسئله

تحقیق‌های پیشین، نشان‌دهنده اهمیت و تأثیر زیاد شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی فارسی به‌مثابه شبکه‌ای ماهواره‌ای (و حتی وبسایت آن) بر مخاطبان ایرانی است (مختاری، ۱۳۸۸؛ بصیریان جهرمی، ۱۳۸۷؛ محمدخانی ملکوه، ۱۳۹۰؛ فردوسی، ۱۳۹۱)؛ از همین رو، این شبکه و به‌ویژه برنامه نخبه‌ساخت پرگار، به‌دلیل برخورداری از ویژگی‌ها و ملاحظه‌های خاصی که در آن وجود دارد (و در ادامه به ساختار و محتوای آن اشاره می‌شود)، می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در شکل‌دهی به نگرش‌های مخاطبان داشته باشد. این تأثیر به‌ویژه در مورد موضوع‌هایی قوی‌تر است که در رسانه‌های داخلی مجال بحث و نقد در مورد آن وجود ندارد و «برنامه‌های متمرکز بر موضوع‌های دینی پرگار» که مسئله اصلی تحقیق (مقاله) فعلی است، از همین جنس تلقی می‌شوند؛ بنابراین بی‌بی‌سی فارسی ضمن ارائه گفتمان‌های موجود در حوزه دین (در اینجا اسلام)، می‌تواند به تحکیم جایگاه خود نزد مخاطبان پردازد و با پیش‌هدفمند و آگاهانه دیدگاه‌های موافق و مخالف به تقویت یا تضعیف گفتمانی خاص مبادرت ورزد. مجموعه چنین فرایندی می‌تواند به افزایش ضریب نفوذ این شبکه و ترویج سبک زندگی و شیوه‌های تفکر موردنظر این سرویس جهانی در بین مخاطبان ایرانی بیانجامد؛ بنابراین این برنامه می‌تواند به‌مثابه ابزاری در خدمت افزایش قدرت نرم انگلیس در میان مخاطبان فارسی‌زبان قلمداد شود.

به‌همین دلیل مسئله اصلی پژوهش، این است که برنامه پرگار - که مخاطب نخبه را کانون برنامه‌سازی و موضوع‌های هفتگی خود قرار داده - «دین اسلام» را چگونه از زبان کارشناسان و مبتنی بر ایدئولوژی برنامه‌سازان این برنامه معرفی می‌کند و شیوه‌های طبقه‌بندی اعضا در آن چگونه است؟

## مفاهیم کلیدی و چارچوب‌های بحث

- **دین «اسلام»:** برخلاف نظر برخی از جامعه‌شناسان که تعریف دقیق از دین را غیرممکن و یا غیرضروری می‌دانند<sup>۱</sup>، تعریف دین، بسیار مهم است.<sup>۲</sup> امام علی<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «اسلام را چنان

۱. پیتر برگر در پیوست کتاب *سایان مقدس*، با اشاره به این نکته که تعریف‌ها نمی‌توانند به‌خودی‌خود «درست» یا «نادرست» باشند و فقط می‌توانند کمتر یا بیشتر مفید باشند، می‌گوید: «به‌همین دلیل مشاخره بر سر تعریف‌ها تا حدودی بی‌معنی است؛ اما چنانچه میان تعریف‌ها در یک حوزه خاص، معایرت وجود داشته باشد، مباحثه درباره سودمندی خاص آنها اهمیت پیدا می‌کند» (برگر، ۱۹۹۰: ۱۷۵). «ماکس وبر در ابتدای بحث از جامعه‌شناسی دین در کتاب *اقتصاد و جامعه*، این موضع را اتخاذ می‌کند که تعریف دین، اگر بتوان تعریفی از آن ارائه داد، تنها در پایان کار ممکن است و خود وبر همین شیوه را دنبال می‌کند و به‌طور شگفت‌انگیزی هیچ‌وقت به چنین پایانی نمی‌رسد و خواننده اثر همچنان در انتظار تعریف موعود او می‌ماند» (همان).

۲. حتی آنچه در آیات قرآن در مورد اسلام بیان شده، همچون «هرآینه دین در نزد خدا، دین اسلام است» (آل عمران، ۱۹)، محل تفسیرها و تحلیل‌های مختلفی قرار گرفته است. برای توضیح‌های بیشتر ن.ک: (نصر، ۱۳۹۰).

تعلیم کنم که احدی پیش از من نکرده باشد: اسلام همان تسلیم [و سرسپردگی] است، تسلیم همان یقین [و باور قطعی] است. یقین همان تصدیق [و راست دانستن احکام خدا] است و تصدیق همان اقرار [به آن احکام] است و اقرار همان ادای [وظیفه] است و ادا کردن همان عمل کردن است»<sup>۱</sup> (نهج البلاغه: حکمت‌ها ۱۲۵، ۵۸۶ - ۵۸۵). علامه طباطبایی دین را این‌گونه تعریف می‌کند: «دین آن روش مخصوص در زندگی است که صلاح دنیا را به‌طوری که موافق کمال اخروی و حیات دائمی حقیقی باشد، تأمین کند. پس در شریعت باید قانون‌هایی وجود داشته باشد که روش زندگانی را به اندازه احتیاج روشن سازد» (طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۳: ۱۸۷).

اما در این تحقیق، تعریف از دین و «به‌ویژه دین اسلام»، تعریف جامع‌نگرانه خواهد بود که در آن دین عبارت است از: «مجموعه باورها (عقاید)، ارزش‌ها (اخلاقیات)، مناسک و رفتارهایی (احکام و عبادت‌ها) که ریشه در وحی و فطرت انسانی دارد، ابعاد مختلف وجودی انسان را دربر می‌گیرد و در عرصه‌های مختلف زندگی دنیوی و اخروی او تجلی می‌یابد» (ابوالقاسمی، ۱۳۸۴: ۲۲). براین اساس، تعاریف، برداشت‌ها و قرائت‌های گفتمانی از دین (اسلام) که از کلام مجری و یا شرکت‌کنندگان در برنامه‌های موردتحلیل در این پژوهش ارائه می‌شود، تنها مبنایی برای تحلیل متن و فرایند هستند.

- «پرگار»: نام برنامه‌ای نخبه‌ساخت و تعاملی در تلویزیون فارسی بی‌بی‌سی است که از ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۹ هفتگی، با طرح مسائل چالش‌برانگیز بنیادی در حوزه‌های گوناگون دینی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، هنری و غیره، با دعوت از کارشناسان و علاقه‌مندان در دو پنل تعاملی کوشیده است تا مخاطبان با ذائقه رسانه‌ای بالاتر از متوسط را به خود جذب کند. این برنامه با چند ویژگی اساسی از برنامه‌هایی نظیر نوبت شما و سایر برنامه‌های بی‌بی‌سی که به طرح مسائل مهم می‌پردازند، متمایز می‌شود. ویژگی ممتاز پرگار در وهله اول، حضور چهره‌های شاخص و در بسیاری از موارد بحث‌برانگیز در پنل اول است. پرگار در هر برنامه، زمینه طرح موضوع و ورود به بحث را به دو کارشناس خود در پنل اول واگذار می‌کند و در ادامه از مشارکت (به‌طور عمده) دو نفر از علاقه‌مندان موضوعی نیز بهره می‌گیرد تا دامنه گفت‌وگو، با طرح سؤال‌ها و نظرهای آن‌ها - به‌مثابه دوایر درحال ترسیم با یک پرگار - گسترش یابد. ویژگی افراد حاضر در پنل دوم این است که آن‌ها معمولاً دانشجویان و یا دانش‌آموختگان جوانی هستند که از طرح

۱. قال الامام علی(ع): لأتسین الاسلام نسیه لم یسها أحد قبلی: الأسلام هوالتسليم و التسليم هوالبقین والیقین هوالتصديق و التصديق هوالاقرار و الاقرار هوالأدا والأداء هوالعمل.

آزادانه دیدگاه‌های خود و انتقاد و شک‌نگری به مسائل مطرح‌شده، هراسی ندارند. پرگار، از این منظر می‌تواند با ارائه گفتمان‌های موجود در هر زمینه، به تحکیم جایگاه خود نزد مخاطبان بپردازد و با چینش هدفمند و آگاهانه دیدگاه‌های موافق و مخالف به تقویت یا تضعیف گفتمانی خاص مبادرت ورزد؛ به همین دلیل این برنامه می‌تواند ابزاری در خدمت افزایش قدرت نرم انگلیس در میان مخاطبان فارسی‌زبان نیز تلقی شود.

- «تحلیل گفتمان»: «مجموعه به هم تافته‌ای از سه عنصر عمل اجتماعی، عمل گفتمانی (تولید، توزیع و مصرف متن) و متن است» (فرکلاف، ۱۳۸۹: ۹۷). «واژه گفتمان در زبان فارسی برابرنهاده‌ای برای دیسکورس است که دارای ریشه‌ای لاتین به معنی مکالمه و هم‌کلاسی است. این واژه در سیر تکامل خود به پیکره‌ای منسجم و معقول از گفتار و نوشتار نیز اطلاق شده است» (فرقانی، ۱۳۸۲: ۵۹).

- «تحلیل طبقه‌بندی اعضا»: از منظر تحلیلی، روشی برای قراردادن عنوان «طبقه‌بندی اعضا» فهم آن با ارجاع به مجموعه‌ای از اقدام‌ها به منظور شناخت افراد است که خود جزیی از دو حوزه گسترده‌تر محسوب می‌شود؛ یکی از آن‌ها را می‌توان با عنوان توصیف‌کنندگی<sup>۱</sup> و دیگری را با عنوان واژه‌گزینی<sup>۲</sup> یعنی اینکه گوینده چگونه از واژه‌ها استفاده می‌کند و پس از آن چگونه آن‌ها را به مخاطب ارجاع می‌دهد، معرفی کرد. ساکس خود مقاله‌ای را با عنوان «گریه کودک»<sup>۳</sup> در محتوای گسترده‌تر انجام داد که از آن به منزله نخستین و ابتدایی‌ترین وجه آغازین طبقه‌بندی اعضا یاد کرده است (ساکس، ب، ۱۹۷۲: ۳۳۱-۳۳۰، ۳۲۶).

تحلیل طبقه‌بندی اعضا از روش‌های تحلیل صوری است که می‌توان از آن‌ها برای فهم سایر افراد و فعالیت‌هایشان بهره گرفت. دانش روزمره درباره افراد در «ابزارهای طبقه‌بندی اعضا» سازمان‌دهی می‌شود. این ابزارها شامل طبقه‌های اعضا می‌شوند که اجزای تشکیل‌دهنده‌شان فعالیت‌های مختص طبقه‌ها، همراه با قواعد کاربرد آن‌هاست (لئودار و مارس‌لند، ۲۰۰۶، ۲۴۵-۲۴۴) بخش به نسبت بزرگی از آثار اولیه در خصوص تحلیل طبقه‌بندی اعضا به طبقه‌بندی اشخاص مربوط می‌شدند که تقریباً ثابت بودند (برای مثال: مادر، کودک، نوجوان، بزرگسال، دکتر، بیمار)؛ اما شایان توجه است که این فن دارای کاربردهای وسیع‌تری است؛ از این تحلیل برای تحقیق درباره نهادهایی مانند ارتش، دولت و خانواده (اگلین و هستر، ۲۰۰۳) و حتی چیزهای انتزاعی همچون قوانین (نکوپیل و لئودار، ۲۰۰۲) نیز استفاده شده است. بالین‌حال، مقاله

1. Doing Description  
2. Word Selection  
3. Baby Cried

❖ حاضر به طبقه‌بندی اسلام در گفتمان چند برنامه‌مذهبی پرگار می‌پردازد تا نحوه انجام تقسیم‌بندی ضمنی بین «اسلام» را موضوع‌های محل منازعه واکاوی کند.

- «ابزارهای طبقه‌بندی اعضا»: ابزار طبقه‌بندی اعضا، از دو قسمت تشکیل شده است - نخست، یک یا چند مجموعه از طبقه‌ها و طبقه‌هایی که آن‌ها سازماندهی می‌کنند و دوم تعدادی قواعد و قوانین اعمال و کاربرد آن‌ها، که در ادامه به نوبه خود معرفی می‌شوند؛ این ارزیابی از ابزار طبقه‌بندی اعضا یا بحث پیرامون ورود آن‌ها به عرصه تحقیق، ابتدا با تأکید ویژه بر تحقیق‌های علوم اجتماعی و سپس سایر اشکال تحقیق مرتبط با تحلیل گفتاری و خطوط اصلی جستار ادامه می‌یابد. درنهایت، بر اساس دیدگاه ساکس و شگلف، به پرسش‌ها و مسائلی معطوف می‌شویم که در چارچوبی سازگار با منابع تحلیلی (رویکرد تحلیلی گفتمانی فرکلاف)، به‌طور قاعده‌مند مطرح شوند؛ بنابراین در ادامه با «مجموعه طبقه‌ها» شروع می‌کنیم.

### ۱. مجموعه طبقه‌ها<sup>۲</sup>

مشمول بر گروه‌هایی همچون مردان، زنان، مسلمانان، پروتستان‌ها، اقلیت‌ها، استادان دانشگاه، دروازه‌بان‌ها<sup>۳</sup>، بزرگسالان، نوازندگان ویولن، محافظه‌کاران، اصول‌گرایان، گیاه‌خواران، بازرگانان، قاتلان، بیست‌ساله‌ها، رادیولوژیست‌ها، تکنسین‌ها، کلکسیونرهای تمبر<sup>۴</sup>، دانمارکی‌ها، دیدزن‌ها<sup>۵</sup> (افرادی که در اتوبان‌ها سرعت خود را کم می‌کنند تا صحنه تصادف را تماشا کنند)، چپی‌ها<sup>۶</sup> (چه چپ‌دست‌ها و چه سیاستمداران)، موج‌سواران یا وب‌گردها<sup>۷</sup>، آلزایمری‌ها<sup>۸</sup> و غیره می‌شوند. طبقه‌های افراد (یا اعضای جامعه در نوشتار ساکس) که در تعامل‌های زندگی اجتماعی برشمرده می‌شوند، در کلیت خود تجمعی منفرد و ساده نیستند؛ بلکه در قالب مجموعه‌هایی از طبقه‌ها، سازمان یافته‌اند. مجموعه درواقع گروهی از طبقه‌هاست که باهم می‌آیند<sup>۹</sup> - برای مثال، [مذکر / مؤنث]؛ [بودایی / کاتولیک / یهودی / مسلمان / پروتستان...]؛ [دانشجوی سال اولی / سال دومی / سال سومی / سال آخری / ارشد / دکتری...]؛ [ایرانی / امریکایی / کانادایی / دانمارکی /

1. Membership Categorization Devices (MCD)
2. Collections of Categories
3. Goalies
4. Stamp Collectors
5. Looky-Loos
6. Lefties
7. Surfers
8. Alzheimers
9. Go Together

فرانسوی...] و مانند آن‌ها (شگلف، ۲۰۰۷: ۴۶۷).

یک ابزار طبقه‌بندی اعضا به‌طور مشخص، حتی می‌تواند مجموعه‌های گوناگونی از طبقه‌ها را در خود جای دهد؛ مثلاً برای طبقه‌بندی سن، می‌توان از اعداد شمارشی (یک‌ساله/ دوساله/ چهل‌ساله/ غیره) یا طبقاتی چون نوزاد، نونهال، کودک، نوجوان و غیره و یا حتی عناوین دیگری چون خردسالان، میان‌سالان، کهن‌سالان، استفاده کرد. این موارد به‌وضوح می‌توانند واجد ویژگی‌های متفاوت باشند؛ برای مثال، برخی از این مجموعه‌ها عینی<sup>۱</sup> هستند؛ به این معنا که مراجع آن‌ها برحسب گوینده و مخاطب فرقی باهم ندارند (هرچند اهمیت آن برای هردو ممکن است یکی نباشد)، اما برای طبقه‌بندی اخیر (خردسال/ میان‌سال/ کهن‌سال)، لازم است بدانید گوینده کیست و یا حتی شاید لازم باشد تا خود او را برحسب معیارهای همان طبقه‌ها، طبقه‌بندی کنید و بر اساس ابزارهای طبقه‌بندی اعضا عمل نمایید تا بفهمید که فرد گوینده چه می‌گوید. درهرحال، کارکردهای آن‌ها در عمل باهم متفاوت است.

برخی از مجموعه‌ها، مجموعه‌هایی هستند که ساکس آن‌ها را «Pn-کافی»<sup>۲</sup> می‌خواند و برخی دیگر آن‌گونه نیستند. «Pn-کفایت»<sup>۳</sup>، خاصیت آن‌دسته از طبقه‌ها در مجموعه است که بتوان بر مبنای آن، هر عضوی از جمعیت غیرمشخص، غیرمحدود و غیرتعریف‌شده را طبقه‌بندی کرد. از این‌رو، جنسیت و سن، Pn-کافی هستند؛ چون هرکس در یکی از طبقه‌های این مجموعه‌ها طبقه‌بندی می‌شود؛ حال آنکه دروازه‌بان مهاجم، غیره یا دانشجوی سال اولی/دومی.../ دکتری و غیره چنین نیستند؛ آن‌ها فقط در مورد جمعیت‌های دارای ویژگی‌های خاص یا محدود شده صدق می‌کنند؛ مثل تیم فوتبال یا دانشجویان دانشگاه. به‌زعم ساکس، احمقانه خواهد بود اگر بخواهیم چنین ابزارهای طبقه‌بندی اعضا را مثلاً روی یک نوزاد اعمال کنیم.

قائل شدن ویژگی‌های پیشین، از ویژگی ابزارهای طبقه‌بندی اعضا است که در قالب متن و موقعیت با همدیگر در ارتباطاند؛ ولی ممکن است ابزارهای طبقه‌بندی اعضا، از ویژگی‌های منحصر به فردی نیز برخوردار باشند که منحصر به یک موقعیت خاص است؛ برای مثال، یکی از سخنرانی‌های ساکس به بررسی ویژگی‌های چیزی می‌پردازد که وی آن را «ثبات‌افرازی»<sup>۴</sup> می‌خواند. ثبات‌افرازی مشاهده‌ای را ثبت می‌کند که در یک موقعیت دلخواه، با ترکیب خاص

1. Objective  
2. Pn-Adequate  
3. Pn-Adequacy  
4. Partitioning Constancy

مشارکت‌کنندگان، دو ابزار طبقه‌بندی اعضای خاص بتوان یافت که مشارکت‌کنندگان، آن‌را به‌طور یکسان افراز کنند؛ برای مثال، وقتی مجری برنامهٔ پرگار می‌گوید «فمینیست‌هایی هستند که با برقع مخالف‌اند ولی درعین‌حال، با ممنوع شدن برقع نیز مخالف‌اند»، درواقع ثبات افرازی را برای این گروه از فمینیست‌ها که خود را در هر دو طبقهٔ خاص قرار می‌دهند، تفسیر کرده است. ازسوی دیگر، این امر که کدام‌یک از ابزارهای طبقه‌بندی اعضا (درصورت وجود) ویژگی ثبات یا نبود ثبات افرازی را با خود به همراه آورد، بسته به ترکیب جمعیت در موقعیت موردبحث و از هر موقعیت به موقعیت دیگر تفاوت دارد.

ثبات و نبود ثبات افرازی هر دو می‌توانند به‌مثابه وسایل نقلیه‌ای عمل کنند که رابطهٔ مجموعه‌ای از عبارتها و طبقه‌ها را با دیگری جایگزین نمایند و به‌همین دلیل می‌توان به‌منزله هویت‌های پوششی یا استتاری<sup>۱</sup> از آن‌ها یاد کرد که بدنه‌های جایگزین از دانش عقلی، استنباط و استنتاج، استدراک و غیره را در رابطهٔ خود با رفتار و فهم درون موقعیت و از موقعیت، نمایان می‌سازند. توجه به روش‌های متفاوتی که در آن ابزارهای طبقه‌بندی اعضاهای مختلف، صحنه‌ای را افراز یا منکسر می‌کنند، و درک و فهم متفاوت از رفتاری که می‌توانند به‌وجود آورند، ما را به مشاهده‌هایی دربارهٔ طبقه‌ها رهنمون می‌سازد که در این مجموعه‌ها وجود دارند.

## ۲. طبقه‌ها<sup>۲</sup>

اما چرا واقعاً باید تا این اندازه به این عبارتها و شیوهٔ استفاده از آن‌ها اهمیت دهیم؟ چه اهمیتی دارد که کدام برچسب طبقه‌ای<sup>۳</sup> درمورد کسی صدق می‌کند؟ پاسخ این است که آنچه در اینجا درمورد آن بحث می‌شود فراتر از «برچسب» صرف است. طبقه‌ها به‌خودی‌خود، نقش بسیار بزرگ‌تر و نتیجه‌بخش‌تری از آن بازی می‌کنند. در اینجا به سه وجه این طبقه‌های عضویت که موردتوجه قرار می‌گیرند و به‌لحاظ نتیجه‌گیری<sup>۴</sup> واجد اهمیت هستند اشاره خواهد شد:

**الف) غنای استنباطی<sup>۵</sup>:** عضویت طبقاتی که ما درمورد آن صحبت می‌کنیم چیزی است که ساکس آن‌ها را «غنای استنباطی» نامیده است. آن‌ها شکلی از دانش عرفی یا فهم رایج<sup>۶</sup> هستند که افراد عادی از دیگران در اختیار دارند و با استفاده از آن، به قضاوت می‌نشینند. این

1. Cover or Camouflage Identities
2. The Categories
3. Category Label
4. Consequentiality
5. Inference-Richness
6. Common-Sense



فهم رایج ذخیره شده و سپس بر مبنای طبقه‌هایی از اعضا/ افراد<sup>۱</sup> مورد ارجاع و استفاده قرار می‌گیرند. در اینجا می‌بینیم که این سازوکار در عمل چگونه کار می‌کند:

هر کس که عضو یک طبقه پذیرفته شده باشد، نماینده‌ای مفروض از آن طبقه محسوب می‌شود؛ به عبارت دیگر، آنچه دربارهٔ طبقه «دانسته می‌شود» دربارهٔ آنان نیز، مفروض است. ساکس، به عمد از عبارت *دانسته شده*<sup>۲</sup> به جای *باور شده*<sup>۳</sup> استفاده می‌کند تا به *دانش عرفی*، خرد جمعی یا *فهم رایج*، به جای کلیشه<sup>۴</sup> یا پیش‌داوری<sup>۵</sup> اشاره کند؛ زیرا معتقد است که برای اعضا، مهم نقش و کارکردی است که دانش یا شناخت<sup>۶</sup> به دنبال می‌آورد و این مستقل از وضعیت و حالتی است که هر شخصیت اخلاقی/ سیاسی واجد آن است. در این حال ممکن است تلاش‌هایی به منظور ممانعت از عملکرد این ویژگی‌ها، یا خنثی‌سازی قابلیت اعمال آن دانش مفروض با *پیراینده‌ها*، *توصیف‌کننده‌ها* یا *تعدیل‌کننده‌هایی*<sup>۷</sup> صورت پذیرد؛ گفت‌وگوی زیر که بین مجری برنامهٔ *پرگار* (با موضوع «اروپا و اسلام‌هراسی») و یکی از کارشناسان برنامه نقل می‌شود، نمونه‌ای از توضیح‌های ارائه شده در این بخش است:

- مجری: «آیا ممنوعیت استفاده از برقع [در فرانسه] باعث می‌شود آزادی زنان برقع‌پوش گرفته شود و آن‌ها حتی دیگر در اماکن عمومی هم نتوانند حاضر شوند؟»

- خانم کاف (کارشناس برنامه): بله، اما برای اینکه شما فرانسوی محسوب شوید بایستی یک‌سری ارزش‌های فرانسوی را بپذیرید؛ از جمله اسمتان و ما کاملاً این را می‌دانیم که اگر شما اسم عربی داشته باشید، چه زن و چه مرد، برای یافتن کار دچار مشکل خواهید شد. اگر در حومه‌های فقیرنشین زندگی کنید باز هم بیشتر دچار مشکل خواهید شد؛ یعنی ما اینجا بایستی عوامل نژادی، مذهبی و طبقه‌ای را هم در بحثمان در نظر بگیریم و اصلاً اینکه چه کسی برقع می‌گذارد.

- [در ادامهٔ بحث، این بار خلاف جریان برنامه، خانم کاف از مجری می‌پرسد: آیا شاهدان‌های عربی که در فرانسه برقع سر می‌کنند و به فروشگاه‌های خیلی لوکس برای خرید می‌روند، پلیس با آن‌ها برخورد خواهد کرد؟ به‌طور قطع خیر! سندیکاهای پلیس هم بارها اعلام کردند

1. Member/Person  
2. Known  
3. Believed  
4. Stereotype  
5. Prejudice  
6. Knowledge  
7. Modifiers

برخوردشان حتماً در حومه‌های فقیرنشینی خواهد بود که خانم‌های برقع‌پوش در آنجا زندگی می‌کنند؛ یعنی مسئله طبقاتی هم هست؛ این مشکلاتی است که برای ما ایجاد شده.

پس در اینجا خانم کاف، فوراً آنچه را که تصور می‌کند «سلب آزادی زنان برقع‌پوش است»، با آوردن جمله‌هایی دیگر و پرسیدن سوآلی از مجری هدف قرار می‌دهد؛ این‌ها همان پیرایه‌هایی هستند که به آن‌ها اشاره شد یا در واقع «اما»ها<sup>۱</sup>. ولی چنین پیرایه‌هایی در تقابل با ابرفرض‌ها قرار می‌گیرند - مثل درست‌نمایی‌های ظاهراً صحیحی چون «پسرها، آخرش پسر هستند»<sup>۲</sup>، «زن جماعت همینه»<sup>۳</sup> و غیره که تأکید دوباره‌ای خواهد بود بر دانش مبتنی بر طبقه، در مقابل استثنایی که برای آن تلاش شده است.

**ب) حفاظت در مقابل استقرا:** دانش برآمده از خرد جمعی یا فهم رایج که بر مبنای طبقه‌های عضویت سازمان‌دهی شده، در برابر استقرا، محافظت شده است. به بیان بهتر، اگر عضوی از یک طبقه، ظاهراً از آنچه درباره‌ی اعضای طبقه «دانسته شده» است تخطی کند، مردم آن «دانش» را بازبینی نخواهند کرد، بلکه آن شخص را به منزله «یک استثنا»<sup>۴</sup> یا «تفاوت»<sup>۵</sup> و یا حتی نقیصه‌ای در مجموعه‌ی اعضای آن طبقه، تلقی خواهند کرد (شگلف، ۲۰۰۷: ۴۷۰-۴۶۹).

در پیوند با این گفتار شگلف، می‌توان بخشی از گفت‌وگوی میان مجری برنامه‌ی پرگار (با موضوع «ذات اسلام») را با یکی از کارشناسان این برنامه، به‌مثابه نمونه‌ای از توضیح‌های فوق تلقی کرد:

- مجری: «آیا شما ذاتی برای اسلام قائل هستید؟»

- آقای صاد (کارشناس برنامه): من اجازه می‌خواهم صحبت از ذاتی یا عَرَضی بودن دین را،

به فلاسفه واگذار کنم. منطق جامعه‌شناسی منطق استقرایی<sup>۶</sup> است و قیاسی<sup>۱</sup> نیست...

[کارشناس در اینجا خود را به طبقه جامعه‌شناسان منتسب می‌داند و در «ظاهر کلام»، ذاتی

1. The 'But' s
2. Boys Will Be Boys
3. Women are Women
4. Protected Against Induction
5. An Exception
6. Different

۷. استقرا (Induction) یعنی رسیدن به نتیجه کلی از طریق مشاهده‌های جزئی و مکرر. این نوع از استدلال، با قیاس (Deduction) فرق اساسی دارد؛ زیرا می‌توان از جزئی به کلی رسید، با داشتن مقدمه‌ها نتیجه ضروری نمی‌شود و می‌توان از مقدمه‌های صادق به نتیجه کاذب رسید. به این مثال توجه کنید: (علی ملی‌گرا است؛ حسین ملی‌گرا است؛ رضا ملی‌گرا است)؛ در نتیجه: همه ایرانی‌ها ملی‌گرا هستند!

۸. قیاس یا استنتاج (Deduction): استنتاج نوعی از استدلال است که با داشتن مقدمه‌های آن، داشتن نتیجه ضروری می‌شود. در این نوع استدلال می‌توان از مقدمه‌های کلی به نتایج جزئی رسید؛ اما عکس این عمل امکان‌ناپذیر است. به‌علاوه روشن است که ضرورت نتیجه به این معناست که نمی‌توان از مقدمه‌های صادق به نتایج کاذب رسید. استدلال مقابل از نوع استنتاج یا قیاس است: (همه ایرانی‌ها ملی‌گرا هستند. حسن ایرانی است)؛ در نتیجه: حسن ملی‌گرا است.

یا عَرَضی بودن دین را به فلاسفه واگذار می‌کند؛ و ادامه می‌دهد...].

به این جهت ما [طبقه جامعه‌شناسان]، نه تنها به اسلام، بلکه به همه ادیان جهان نگاه می‌کنیم. سؤال می‌کنیم که آیا نکته یا مخرج مشترکی دارند یا نه؟ و آنچه از دیدگاه جامعه‌شناسی می‌بینیم این است که همه ادیان دنیا در دو ویژگی مشترک هستند؛ اول اینکه همه ادیان حقیقتی را در ورای واقعیت موجود و ملموس می‌بینند و آن حقیقت، حقیقتی است که به حضور انسان در کیهان معنا می‌دهد و حقیقتی عادلانه است؛ دوم، وجهه‌نظر همه مذاهب به این حقیقتِ ماورایی حاکی از تسلیم و رضاست؛ و این تفاوت مذهب و جادو است!

حال، اگر فردی مذهبی با توجه به توضیح‌های کارشناس برنامه و دو ویژگی مشترک ادیان که از قول وی بیان می‌شود، در ورای این دو ویژگی «یعنی حقیقت در ورای واقعیت» و «حالت تسلیم و رضا در برابر این حقیقت»، بتواند نقطه مشترک دیگری بیابد، با توجه به «حفاظت در مقابل استقرا»، خود را به منزله «یک استثنا»، یا فردی متفاوت، یا حتی نقیصه‌ای در مجموعه اعضای آن طبقه تلقی خواهد کرد.

ساکس معتقد است «از آنجاکه فرد مورد بحث، خود نیز عضوی از طبقه دین / فرهنگ بوده و دانش عرفی آن را به کار می‌برد، ممکن است خود را بی کفایت یا حتی (آن طور که خود گاهی اذعان می‌دارند) «اشتباهی (جعلی)»<sup>۱</sup> بخواند» (ساکس، ۱۹۹۲: 328ff., 578ff.). با مشترک شدن در دانشی که طبقه برای آن‌ها مهیا کرده است و «دانستن» اینکه این نبود سازگاری وجود دارد، ماحصل کار این خواهد بود که حتماً مشکل در آن‌هاست و نه در دین، فرهنگ و طبقه خاص و آن‌ها ممکن است برای هم‌سویی دوباره با آن دین یا فرهنگ تلاش کرده و در نتیجه فهم رایج را تقویت کنند (همان: ۴۷۰؛ همچنین نگاه کنید به I: ۴۰). در چنین وضعیتی تعدیل‌کننده‌ها نیز اگر در تقابل با اِبرفرض‌ها<sup>۲</sup> قرار نگیرند، خود تبدیل به موضوعی برای محافظت از فهم رایج یا تلقی متعارفی که بر مبنای طبقه‌های عضویت سازمان‌دهی شده، قرار می‌گیرند.

**ج) فعالیت‌های مقید به طبقه:** در میان مواردی که فهم رایج از طبقه را شکل می‌دهند، انواعی از فعالیت‌ها وجود دارند که به گونه‌ای و توسط فرهنگ عامیانه و یا بومی به‌مثابه مشخصه بارز اعضای آن طبقه شناسایی می‌شوند - و ساکس آن‌ها را در مقاله «گریه کودک»،

1. Phony  
2. Overridden  
3. Category-Bound Activities

❖ سال شانزدهم، شماره بیست و نهم، بهار ۱۳۹۴

«فعالیت‌های مقید به طبقه» می‌خواند. مثال خود او در آن مقاله خاص، «گریه کردن»<sup>۱</sup> فعالیتی متصل به «کودک» است که در ابزارهای طبقه‌بندی اعضا<sup>۲</sup>، جزو مراحل زندگی<sup>۳</sup> است. او اشاره دارد که هم‌زمان با «گریه کردن»، طبقه «کودک» به‌مثابه مرحله‌ای از زندگی، فعالیت خود را آغاز می‌کنند؛ پس فرد باید بتواند به‌طور عادی گزارش خود را با «کودک گریه کرد» ارائه دهد و نه «جنس مذکر گریه کرد»<sup>۴</sup> یا «متدیست<sup>۵</sup> گریه کرد» یا «متولد ماه مهر گریه کرد»؛ حتی زمانی که این گزاره‌ها برحسب طبقه‌بندی اعضای یادشده، گزاره‌های صحیحی باشند. از این‌رو، می‌توان به عضویت شخص در طبقه‌ای خاص ارجاع داد، با اشاره به این امر که شخص موردنظر، کاری را انجام می‌دهد که مقید به آن طبقه است و انجام عملی که مقید به طبقه است می‌تواند ما را به صحنه‌ای یا موقعیتی ارتباطی رهنمون شود که آن عمل مقید به آن است و بر اساس آن طبقه، مکان هندسی ابزارهای طبقه‌بندی اعضا، تعیین می‌شود (شگلف، ۲۰۰۷: ۴۷۰-۴۶۹). در پیوند با این مسئله، می‌توان بخش‌هایی از گفت‌وگوی میان مجری برنامه پُرگار (با موضوع «بنیادگرایی اسلامی و دموکراسی خواهی») را با کارشناسان این برنامه، به‌مثابه نمونه‌ای از توضیح‌های فوق موردتوجه قرار داد تا درک صحیح‌تری از آنچه گفته شد، فراهم آید:

- مجری: «آیا خود همین سیری که جنبش اخوان المسلمین مصر طی کرد، نشان نمی‌دهد که در جهان موجود، بنیادگرایی اسلامی می‌تواند آرام‌آرام جایش را به تفکر دموکراتیک بدهد؟»  
[مجری برنامه از صحبت‌های قبلی با مهمانان به این نتیجه می‌رسد که «فعالیت‌های مقید به طبقه» جنبش اخوان المسلمین، به‌ویژه در مصر و تونس به‌مرور زمان تعدیل شده و از شدت بنیادگرایی اسلامی آن‌ها کاسته شده است...]

- آقای ر (کارشناس برنامه): بله، جناح اخوان المسلمین مصر تاحدی متأثر از مدل ترکیه است، البته به‌هرحال با آزادی بیان و عقیده، برابری زن و مرد و حتی با بخش‌هایی از حقوق بشر مشکل دارند.  
- خانم کاف (کارشناس برنامه): به نظر من بیش از آنکه بتوانیم نیروی سیاسی تلقی‌شان بکنیم از ۱۹۷۰ به بعد، یک نیروی اجتماعی محسوب می‌شوند. متأسفانه دولت مصر، به اینها اجازه ورود به عرصه سیاسی نداد و عده‌ای به سمت به‌اصطلاح «بنیادگرایی اسلامی» رفتند و

1. Crying

2. MCD

3. Stages of Life

4. The Male Cried

۵. متدیست (Methodist) نام پیروان متدیسم، از فرقه‌های مسیحیت است که تحت‌تأثیر کشیش جان ولسی John Wesley احیا شد.

مثلاً به «النهضة تونس» تبدیل شدند که راشد الغنوشی رهبری آن را در دست دارد.

[چند دقیقه بعد...]

- مجری: «بعضی‌ها می‌گویند، اگر بخواهیم معادلی برای بنیادگرایی اسلامی بگذاریم، می‌توان آن را اسلام روستایی نامید و جنبش‌های دموکراسی‌خواهی را می‌شود اسلام شهری نامید، چقدر موافقید؟»

- خانم کاف (کارشناس برنامه): این‌گونه شهر و روستا را از هم جدا کردن به این شکلی که شما می‌فرمایید، به نظر من درست نیست. خود مصر از معدود کشورهایی است که از دهه‌های قبل طبقه متوسط در روستاها داشته، هرچند در ایران چنین چیزی نداشتیم... در ضمن باید ببینیم چرا کسانی که برای مثال از اخوان المسلمین حمایت می‌کردند، الان کمتر حمایت می‌کنند؟ مثلاً زنانی هستند که در بسیاری از این کشورها به جنبش‌های اسلام‌گرا پیوستند، ولی در حال حاضر برخی در حال جدا شدن هستند.

در گفت‌وگوی فوق، شاهد بودیم که مجری و کارشناسان برنامه، «فعالیت‌های مقید به طبقه» اخوان المسلمین را تحت تأثیر مدل اسلام‌گرایی ترکیه و بیشتر اجتماعی می‌دیدند تا اینکه سیاسی باشد؛ با این حال، هرچند نحله فکری این گروه هنوز مخالف آزادی بیان، برابری زن و مرد و بخش‌هایی از حقوق بشر دانسته شده است [از دیدگاه کارشناس و مجری برنامه]، اما کسانی که در تونس برآورده شدن آرمان‌های خود را در پیوند با این طبقه نمی‌دیدند به جریان «النهضة» راشد الغنوشی پیوستند. به همین دلیل «فعالیت‌های مقید به طبقه»، به زعم شگلف می‌تواند به صحنه یا موقعیتی ارتباطی رهنمون شود که بر اساس آن طبقه، مکان هندسی ابزارهای طبقه‌بندی اعضا، در ارتباط با آن تعریف شود.

از این رو، طبقه‌هایی که مجموعه طبقه‌ها را تشکیل می‌دهند، یک جزء اصلی از ابزارهای طبقه‌بندی اعضا هستند و تنها برچسب‌های رده‌بندی تلقی نمی‌شوند. حال، لازم است به این موضوع بازگردیم؛ موضوع‌هایی مانند اینکه چطور برخی از ابزارهای طبقه‌بندی اعضا فعال می‌شوند؛ اما پیش از آن باید درباره یک جزء اصلی دیگر، یعنی «قوانین کاربرد» بحث کنیم.

۳. قوانین / قواعد کاربرد<sup>۱</sup>

❖ سال شانزدهم، شماره بیست و نهم، بهار ۱۳۹۴

- **قاعده صرفه‌جویی<sup>۲</sup>:** ساکس نخستین قاعده کاربرد را *قاعده صرفه‌جویی* نام‌گذاری کرد. این قاعده به این معناست که یک عبارت طبقه منفرد از یک ابزار طبقه‌بندی اعضای دلخواه، اساساً قادر به انجام ارجاع کافی خواهد بود؛ اما چیزی بیشتر از آن را می‌توان به کار برد؛ برای مثال در ارجاعی چون «یک رقاصه باله ۴۵ ساله روس»؛ ولی، اساساً یک عبارت قادر به ارجاع کافی خواهد بود و همین مشاهده است که مدخل ورود به *تأویل هرمنوتیک*<sup>۳</sup> را فراهم آورد: اگر یک ارجاع کفایت می‌کند، چرا این کفایت رعایت نشده است؟ (نک: ساکس (مجلد دوم): ۴۴۷) (در صورتی که اگر به نظر برسد که یک عبارت ارجاعی کافی است، امری کاملاً بدیهی و پیش‌پا رخ داده است؛ حالتی را تصور کنید که می‌خواهید به مکانی روی نقشه ارجاع دهید: این امر مستلزم مختصاتی دوبعدی - یعنی دو عبارت توصیفی عرض و طول جغرافیایی، برحسب ابعاد و حوزه نقشه - است).

- **قاعده سازگاری<sup>۴</sup>:** ساکس قاعده یا روال دیگر (دوم) را، *قاعده سازگاری* نام نهاده است. این قاعده بدین معناست که اگر چند فرد طبقه‌بندی‌شونده، با طبقه‌ای خاص از مجموعه ابزارهای طبقه‌بندی اعضای خاصی، مورد ارجاع قرار می‌گیرند، آنگاه همان طبقه یا دیگر طبقه‌ها از همان مجموعه می‌توانند برای طبقه‌بندی کردن افراد بعدی نیز مورد استفاده قرار گیرند.

- **قاعده به بیان ساده‌تر<sup>۵</sup>:** هنگامی که طبقه خاص از یک مجموعه معین از طبقه‌ها، در قالب یک ابزار طبقه‌بندی اعضا به منظور ارجاع (یا شناسایی و یا درک) شخصی در موقعیت خاصی مورد استفاده قرار گرفته است، آن‌گاه دیگر اشخاص درون مجموعه نیز می‌توانند با ارجاع به همان طبقه یا دیگر طبقه‌ها در همان مجموعه مورد ارجاع، شناسایی و درک یا فهم شوند. در این حال، این امر یک روال انتخابی است و نه امری اجباری، اما کمک می‌کند تا ارتباط طبقه‌های دیگر، به صحنه و یا فعالیت مورد نظر تزریق شود. اگر در یک مهمانی یا جلسه غیررسمی، شخصی را با عنوان جامعه‌شناس<sup>۶</sup> به شخص دیگری معرفی کنند، افراد دیگر، ناخودآگاه در یک طبقه‌بندی شغلی - تحصیلی<sup>۷</sup> قرار می‌گیرند و ارتباط‌های بعدی در قالب چنین شکلی از طبقه‌بندی شناسایی

- 
1. Rules of Application
  2. Economy Rule
  3. Hermeneutic Interpretation
  4. Consistency Rule
  5. In Plain Language Rule
  6. Sociologist
  7. Disciplinary Category

و تعیین می‌شود. اگر پس از آن، شخصی با عنوان کانادایی<sup>۱</sup> معرفی شود یا خود را چنین معرفی کند، آن‌گاه این امر با عنوان عزیمت<sup>۲</sup> از ارتباطاتی که تاکنون معرفی شده، ثبت خواهد شد که این خود می‌تواند موجب کنکاشی برای یافتن آنچه چنین طبقه‌بندی را موجب گردیده، شود (چرا الان این‌طور شد<sup>۳</sup>)؛ بنابراین این امر می‌تواند نه تنها زمانی عمل کند که طبقه نخستین با اشاره به عبارت طبقه‌ای خاص معرفی شده است، بلکه حتی زمانی نیز که آن طبقه با فعالیتی مقید به طبقه معرفی شود، چنین خواهد شد.

ساکس به‌مثابه نتیجه‌ی جانبی این قواعد، چیزی را پیشنهاد می‌کند که آن را اصول شنونده و بیننده<sup>۴</sup> نام نهاد. این امور به‌منزله دستورالعمل‌هایی برای درک‌کننده پیام (دریافت‌کننده<sup>۵</sup>) محسوب می‌شود: اگر شما در معرض عملی که در ارتباط تنگاتنگ با طبقه‌ای خاص از مجموعه‌ای خاص قرار دارد قرار گرفته‌اید، شخص متبادرکننده به آن عمل نیز می‌تواند به‌مثابه عضوی از آن طبقه محسوب شود؛ آن‌گاه شما نیز آن شخص را چنان دریابید و درک کنید.

درواقع، آنچه ساکس از آن با عنوان اصل شنونده یاد می‌کند دستورالعمل‌هایی برای شنیدن یک عبارت از طبقه‌ای است که طبقه‌های دیگر استفاده می‌کنند و اینکه آن‌ها دغدغه این را ندارند که آن عبارت را به کدامین شنیده دیگر خود مرتبط سازند. وی (ساکس، ۱۹۷۲، ب: ۳۳۷) چنین می‌نویسد: «اگر یک فعالیت مقید به طبقه مدعای انجام کاری، توسط عضوی از یک طبقه خاص قرار گیرد، آن‌گاه شما نیز آن را همان‌گونه بشنوید»؛ به عبارت دیگر، وقتی که هم فعالیت و هم شخص طبقه‌بندی شده، از سوی دیگران مورد اشاره واقع شده‌اند<sup>۶</sup> - از پیش رابطه‌مند گشته‌اند و اصل موضوع ما را به این نکته رهنمون می‌کند که چگونه اشارت‌ها یا رابطه‌مندی‌ها<sup>۷</sup> را بفهمیم - و آن‌ها چطور مورد استفاده قرار می‌گیرند.

جدول زیر، اقتباسی از مقاله «آموختاری بر طبقه‌بندی اعضا» نوشته امانوئل شگلف (۲۰۰۷) است که بر اساس مطالعه‌های پیشین، در زمان ساکس تشریح شده و به ضرورت پژوهش حاضر به شکل زیر استخراج شده است. چون توضیح‌های شگلف در سه بخش «مجموعه طبقه‌ها»،

1. Canadian
2. Departure
3. Why That Now
4. Hearer' s and Viewer' s Maxims
5. Apperceiver
6. Mentioned by Another
7. Mentions or Formulations

«طبقه‌ها» و «قواعد قوانین کاربرد» و زیرمقوله‌های مطرح‌شده در هر بخش، به ضرورت معناکاوای در این مقاله توضیح داده شد، این جدول، ترکیبی از مقوله‌های یادشده را با موضوع‌های موردتحلیل در بخش روش‌شناسی فراروی مان قرار می‌دهد.

جدول ۱. دستورالعملی برای تحلیل شیوه‌های طبقه‌بندی اعضا در برنامه‌های پرگار اقتباس‌شده از شگلف (۲۰۰۹) و ساکس (۱۹۷۲ الف و ب)

ردیف	ابزارهای طبقه‌بندی اعضا (MCD)	مقوله‌ها / اجزای گفتمانی
۱	مجموعه طبقه‌ها <sup>۱</sup> (منظور از مقوله‌های گفتمانی در این بخش، تنها برنامه پرگار است)	مجری (مجری - کارشناس)
		پنل اول (کارشناسان اصلی برنامه)
		پنل دوم (علاقه‌مندان به موضوع بحث)
۲	طبقه‌ها <sup>۲</sup>	غنا <sup>۳</sup> استنباطی
		حفاظت در مقابل استقرا <sup>۴</sup>
		فعالیت‌های مقید به طبقه <sup>۵</sup>
۳	قواعد و قوانین کاربرد <sup>۶</sup>	قاعده صرفه‌جویی <sup>۷</sup>
		قاعده سازگاری <sup>۸</sup>
		قاعده به بیان ساده‌تر <sup>۹</sup>

### روش‌شناسی

روش انجام این تحقیق، تحلیل گفتمان انتقادی است. بعضی از مشهورترین رهیافت‌ها به تحلیل گفتمان انتقادی به ون‌دایک، وداک و فرکلاف تعلق دارد؛ با این حال، «تحلیل گفتمان انتقادی» بیشتر در اشاره به رهیافت فرکلاف به کار می‌رود؛ چراکه رهیافت وی در مقایسه با رهیافت‌های دیگر، مدون‌ترین نظریه‌ها و روش‌ها را برای تحقیق در حوزه ارتباطات، فرهنگ و جامعه فراهم می‌کند» (فرقانی و اکبرزاده چهارمی، ۱۳۹۰: ۱۳۶).

نمونه‌گیری در این تحقیق به دلیل کیفی بودن روش، از نوع هدفمند بوده است و نمونه‌های

۱. مجموعه طبقه‌ها (Collections of Categories) در این برنامه مشتمل بر سه بخش است که غیر از طبقه مجری یا مجری - کارشناس که طبقه‌ای منحصربه‌فرد (آقای داریوش کریمی) تلقی می‌شود، دو طبقه دیگر در هر برنامه، متغیر و شامل افراد دیگری است.  
۲. طبقه‌ها (The Categories) پیش‌تر در بخش چارچوب‌ها توضیح داده شد.

3. Inference-Richness

4. Protected Against Induction

5. Category-Bound Activities

۶. قواعد و قوانین کاربرد (Rules of Application)، از دیدگاه ساکس، تنها به سه مقوله گفتمانی تقسیم شده‌اند (ساکس، ۱۹۷۲)؛ هر چند ممکن است بتوان رویکردهای دیگری یافت، که مقوله‌های بیشتری را به این بخش بیافزایند.

7. Economy Rule

8. Consistency Rule

9. In Plain Language Rule

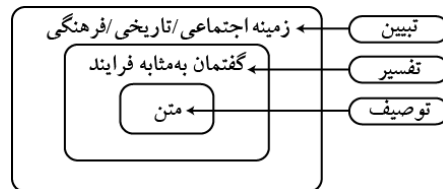


همگون و مطلوب، با توجه به تشابه موضوعی و محتوایی برنامه‌های مذهبی (با تأکید بر اسلام) پخش شده از تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی (پرگار)، در فاصله سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ انتخاب شده‌اند. در این مقاله، برای بسط تشریح مقوله‌ها/ اجزای گفتمانی متعلق به طبقه‌ها (نک: جدول ۱) گزاره‌های متناظر با طبقه‌بندی اعضا از گفتمان‌های انجام‌شده در برنامه‌های «بنیادگرایی اسلامی و دموکراسی خواهی»، «فمینیسم اسلامی»، «اروپا و اسلام‌هراسی» انتخاب شدند. همچنین به‌طور خاص برنامه «ذات اسلام» به‌منظور تشریح شیوه‌های طبقه‌بندی اعضا، با به‌کارگیری رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، بررسی و سطوح و عناصر گفتمانی، بر اساس مدل نورمن فرکلاف تحلیل شده است. سطوح سه‌گانه عبارت‌اند از:

۱. سطح خرد: توصیف گفتمان به‌مثابه متن که واجد هفت عنصر گفتمانی: «واژگان»، «ارزش‌های رابطه‌ای»، «ارزش‌های بیانی»، «قطب‌بندی»، «استعاره‌ها/ تلویح‌ها»، «نظام نوبت‌گیری» و «انسجام کلی» است.

۲. سطح میانی: تفسیر گفتمان به‌مثابه فرایند که به چهار عنصر گفتمانی «ظاهر کلام»، «معنای کلام»، «انسجام موضعی» و «ساختار (جان‌مایه) متن» تقسیم شده است.

۳. سطح کلان: تبیین گفتمان به‌مثابه زمینه اجتماعی/ تاریخی/ فرهنگی که با سه عنصر گفتمانی به فراخور نوع متن: «عوامل اجتماعی/ تاریخی»، «ایدئولوژی‌ها» و «تاثیرات» تحلیل می‌شود.



نمودار ۱. پیوستگی رابطه متن با گفتمان‌ها و شرایط پیرامونی (فرکلاف، ۱۹۹۵: ۷۸)

### تحلیل گفتمان انتقادی برنامه پرگار

همان‌طور که در بخش روش‌شناسی گفته شد، برای انجام این تحلیل، پنج برنامه مذهبی (با تأکید بر اسلام) که از برنامه پرگار تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی پخش شده‌اند، تحلیل شدند. با این حال، در این مقاله برای نمونه تحلیل گفتمان انتقادی، برنامه «ذات اسلام» که توصیف‌کنندگی<sup>۱</sup> و واژه‌گزینی<sup>۲</sup> منطبق‌تری با طبقه‌بندی اعضا و سوبه‌های تحلیل گفتمانی داشته،

1. Doing Description  
2. Word Selection

انتخاب شد و بر آن‌ها تأکید شد. جدول ۲ روش انجام تحلیل گفتمان را بر اساس رویکرد سه‌سطحی فرکلاف (نقل در: فرقانی، ۱۳۸۲: ۱۰۱-۸۹) برای این برنامه نشان داده است.

جدول ۲. تحلیل گفتمان انتقادی برنامه «ذات اسلام»

ردیف	سطوح	عناصر گفتمانی	متن و توضیحات
۱	خُرد: توصیف <sup>۱</sup> (گفتمان به‌مثابه متن)	واژگان	سفید (مثبت): رحمانی - ناب محمدی - حقیقتی عادلانه - واقعیت ملموس - تسلیم و رضا - امید - عدل - صلح طلب سیاه (منفی): فاقد حرکت و تنوع - اختلاف‌برانگیز - مساوت‌آمیز - کشتار - خونریزی - برادر کشی - دروغ - خشونت - زندان - ترور
۲		ارزش‌های رابطه‌ای	مجری برنامه <sup>۲</sup> ، با بیان این پرسش که: «یا در شهری که / این و کهریزک دارد، می‌توان نماز خواند؟» از ابتدا تلاش می‌کند تا بین ذات رحمانی اسلام و ذات انقلابی آن ارتباط بیابد.
۳		ارزش‌های بیانی	یک کارشناس پنل اول <sup>۳</sup> ، وجه مشترک همه ادیان را حقیقت در ورای واقعیت و حالت تسلیم و رضا در برابر این حقیقت می‌داند؛ در حالی که به‌نظر کارشناس دوم این پنل، در همه ادیان یک چیز مشخص وجود دارد و آن اعتقاد به «امر مقدس» است (هرچند خودش را معتقد به دیدگاه بینابینی می‌داند، ولی اسلام را واجد توجیه‌گر می‌داند که سرشار از تناقض است).
۴		قطب‌بندی	کارشناس از «اسلام» چهار تفسیر یا قطب‌بندی ارائه می‌دهد: ۱. دیدگاهی که می‌گوید اصلاً حقیقتی وجود ندارد و همه ره افسانه زدند؛ ۲. موضعی که می‌گوید فقط من حقیقت دارم و بقیه کفر هستند (شیعه، وهابی و...); ۳. موضع مدرن که می‌گوید همه بهره‌هایی از حقیقت برده‌اند؛ ۴. موضع دانشگاهی که می‌گوید من کاری به مفهوم حقیقت ندارم و فقط می‌خواهم آنچه را که بر سر آن گذشته، بررسی کنم.
۵		استعاره‌ها / تلویح‌ها	یکی از کارشناسان با بیان اینکه قرآن یک متن هرمنوتیک است و مسئولیت تفسیرش با مفسر است، آن‌را در مقابل کتب اصلی هندو (به‌گودگیتا، رامایانا، مهابهاراتا) قرار می‌دهد و معتقد است باینکه این متون از اول تا آخرش جنگ و کشت و کشتار و خونریزی است ولی هندوها و پیروان این دین افرادی صلح‌طلب هستند؛ بنابراین تلویحاً معتقد است که خشونت و انگاره‌های نادرستی که از مسلمانان در رسانه بازتاب می‌شود، ربطی به قرآن ندارد.

شماره شانزدهم، شماره بیست‌ونهم بهار ۱۳۹۴

۱. توصیف (Description) در هفت سطح در نظر گرفته شده که به فراخور نوع متن و پژوهش ممکن است از تمام یا بخشی از آن استفاده شود.

۲. اولین طبقه در «مجموعه طبقه‌ها» در ابزارهای طبقه‌بندی اعضا، مجری برنامه است.

۳. دومین طبقه، در «مجموعه طبقه‌ها» به‌لحاظ ابزارهای طبقه‌بندی اعضای این تحقیق، دو کارشناس اصلی برنامه (محمود صدری - استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تگزاس - و محمدرضا نیکفر - استاد فلسفه سیاسی دانشگاه کلن) هستند که در پنل یک، به تشریح دیدگاه‌های خود می‌پردازند.

ادامه جدول ۲. تحلیل گفتمان انتقادی برنامه «ذات اسلام»

ردیف	سطوح	عناصر گفتمانی	متن و توضیحات
۶		نظام نوبت‌گیری	مجموعه طبقه‌ها به سه گروه زیر قابل تفکیک‌اند که به همین نوبت سخن گفتند: ۱. مجری - کارشناس (مجری) برنامه که اغلب پرسش و جمع‌بندی و هماهنگی گفت‌وگوها را به عهده دارد؛ ۲. کارشناس پل اول که به‌طور عمده گفتمان مرجع را در خصوص اسلام تشریح و تبیین می‌کنند. ۳. علاقه‌مندان موضوعی پل دوم <sup>۱</sup> که تاحدی به سخن کارشناسان پل اول شک دارند و موضع پرسشگرانه اتخاذ می‌کنند.
			انسجام کلی
۸	میانی: تفسیر <sup>۲</sup> (گفتمان به‌مثابه فرایند)	ظاهر کلام	کارشناس یک: ۱. هریک از ما در کشتی‌هایی به دنیا آمدیم که مدت‌ها قبل از به دنیا آمدن ما، به آب انداخته شده بودند (از قول: سورن کی‌یرکگارد)؛ ۲. متن مقدس و زمان مقدس ظهور دین به‌خودی‌خود ساکت است (شلایرماخر). کارشناس دو: ۳. «نیرو» همان «تظاهر نیرو» است (از قول هگل)؛ ۴. اخلاق مقدم است و من بنده متن نیستم و قضاوت اخلاقی می‌کنم (~ اسپینوزا).
			معنای کلام

۱. در این پل که در درجه آخر اهمیت به‌لحاظ طبقه‌بندی اعضا قرار گرفته است، آقایان میثم ارشدی و امین آذربادگان که به‌ترتیب روزنامه‌نگار و دانش‌آموخته فنی معرفی می‌شوند پرسش‌های خود را از کارشناسان پل اول (به‌مثابه مخاطبان کشگر) می‌پرسند.  
۲. تفسیر (Interpretation) در چهار سطح در نظر گرفته شده که برحسب نوع متن، می‌توان از تمام یا بخشی از آن استفاده کرد.

ادامه جدول ۲. تحلیل گفتمان انتقادی برنامه «ذات اسلام»

ردیف	سطوح	عناصر گفتمانی	متن و توضیحات
۱۰	انسجام موضعی		<p>مضامین موجود در این برنامه را با توجه به طبقه‌بندی افراد، می‌توان به سه بخش تقسیم کرد:</p> <p>۱. موضع اصلی بی‌بی‌سی فارسی در بازنمایی دین اسلام که در اختیار مجری برنامه است و با توجه به پرسش آغازین برنامه یعنی: «آیا در شهری که اوین و کهریزک دارد، می‌توان نماز خواند؟»، خشونت ذاتی یا عرضی نسبت داده شده به اسلام در متن کلام قابل مشاهده است؛ بنابراین موضع بی‌بی‌سی فارسی این است که: اسلامی که در ایران شاهد آن هستیم خشونت‌آمیز است و جنبه رحمانی ندارد!</p> <p>۲. در طبقه بعدی (پنل اول)، کارشناسان اصلی برنامه که یکی استاد جامعه‌شناسی و دیگری استاد فلسفه سیاسی است بارها به جبری بودن دین و جنبه‌های عرضی آن اشاره می‌کنند تا ذات اسلام را به تظاهر گفتمانی آن، منتسب کنند. هردو بر این باورند که ادیان در ویژگی‌هایی مشترک هستند و تفاوت در تجربه بشری است؛ با این تفاوت مهم که کارشناس اول معتقد است که اسلامی که من به آن معتقدم اسلام تساهل است و آنچه امروزه در ایران اتفاق می‌افتد (همچون شکنجه)، ابتدا با اصل اسلام ارتباطی ندارد، درحالی‌که کارشناس دوم باور دارد که اسلامی که در جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌شود خود را تجلی‌گر صدر اسلام پنداشته و ذاتی یا عرضی بودن آن تفاوتی در ماهیت خشونت‌آمیز آن ندارد و هرآینه، اوین و کهریزک بازتولید همان اسلام است!</p> <p>۳. موضع سومین طبقه در این برنامه (اعضای پنل دوم)، هرچند به دلیل ساختار برنامه، به شکل انضمامی قابل بیان نیست، با این حال موضع آن‌ها بر شمردن تناقض‌های موجود در کلام کارشناسان پنل اول، وانهادن نگاه ارزشی و جایگزین کردن آن با نگاه پردازشی به مثابه افرادی است که مخاطبان علاقه‌مند به موضوع بحث هستند. در این برنامه موضع کارشناس دوم بیشتر به چالش کشیده می‌شود.</p>
۱۱	ساختار (جان‌مایه متن)		<p>متن برنامه، در چارچوب گفتمان روشنفکری دینی، موضعی انتقادآمیز به سیاست جمهوری «اسلامی» ایران در برداشت خشونت‌آمیز اسلام سیاسی در ایران امروز دارد. همه طبقه‌های شرکت‌کننده در ساختار این برنامه<sup>۱</sup> معتقدند که عده‌ای در ایران همه چیز را به دست گرفته‌اند و می‌گویند این اسلام ناب محمدی است و در واقع تفسیر قبیله‌ای از اسلام دارند که با مدرنیته ارتباطی ندارد.</p>

۱. مجری برنامه، کارشناسان پنل یک و مخاطبان آنها در پنل دو (در مجموع پنج نفر).

ادامه جدول ۲. تحلیل گفتمان انتقادی برنامه «ذات اسلام»

ردیف	سطوح	عناصر گفتمانی	متن و توضیحات
۱۲	کلان: تبیین <sup>۱</sup> (گفتمان به‌مثابه زمینه اجتماعی)	عوامل اجتماعی/ تاریخی	<p>– موضوع «ذات اسلام» در یکی از برنامه‌های پرگار در بهار ۱۳۹۱ در شرایطی پخش می‌شود که بی‌بی‌سی فارسی از مواضع دو کارشناس دعوت‌شده به پتل اول، در راستای تقویت ضدیت با نظام جمهوری اسلامی آگاه است. مجری برنامه با همنشین کردن بازداشتگاه غیرقانونی کهریزک (که در جریان اعتراض‌ها به نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸ کشته شدن چند نفر از معترضان را به دنبال داشت) و نیز زندان قدیمی اوین با وجه رحمانی دین، قرائت فعلی مسئولان نظام را از اسلام به سخره می‌گیرد.</p> <p>– به‌لحاظ تاریخی آیه‌های متعددی از قرآن کریم با تمایز مختلفی به زندان اشاره کرده است که در برنامه پرگار به هیچ‌کدام از آن‌ها به‌مثابه نص احکام دینی توجه نمی‌شود! واژه‌هایی همچون «سجن، حبس، امساک، وقف، ثبت و...» به‌نوعی اشاره به زندانی کردن دارند. هرچند میان فقها و مفسران در تفسیر آیه‌ها اختلاف‌نظر وجود دارد، اما مشروع بودن زندان در مواردی از دیدگاه قرآن ثابت شده است. مهم‌ترین آیه‌های قرآنی در این خصوص بدین قرارند:</p> <p>«أَمَّا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ...» (مائده: ۳). برخی از مفسران، مجازات «نقی من الأرض» محارب را در این آیه، به تبعید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۴: ۳۵۹؛ طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۵: ۴۹۷) و عده‌ای دیگر واژه «نقی» را به معنای حبس و زندان تعبیر کرده‌اند (وائلی، ۱۳۷۸: ۳۰). همچنین آیه «فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحَرَامُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَخْصِرُوهُمْ...» (توبه: ۵) نیز، خواستار شدت عمل در برخورد با مشرکان است و به کشتن دستگیری و محاصره آنان فرمان می‌دهد. مفسران «واحصروهم» را دستگیری و محاصره (مکارم، ۱۳۷۰، ج ۷: ۲۹۲) و زندانی کردن (وائلی، ۱۳۷۸: ۱۷) تعبیر کرده‌اند. همچنین زندان در اسلام اساساً به سه دلیل بوده است: مجازات، دفع شر و جلوگیری از فرار مجرم (نجفی، ۱۳۶۳: ۱۴) که مؤید عوامل اجتماعی و تاریخی آن است.</p> <p>– نخستین زندان در اسلام راه حضرت علی<sup>(ع)</sup> در کوفه از بوریای فارس ساخت و آنجا را «نافع» نامید و سپس زندان دیگری از خاک و گل بنا کرد و اسم آنجا را «مخیس» گذاشت (دانش، ۱۳۷۶: ۱۴۸)؛ بنابراین باز هم به‌لحاظ تاریخی و اجتماعی می‌توان ادعا کرد که کیفر حبس برپایه تفکر اسلامی و توبه در نظر گرفته شده است که در این برنامه بارها با طعنه مجری برنامه پرگار، به ابداع‌های جمهوری اسلامی ایران نسبت داده می‌شود و کارشناسان برنامه نیز در این خصوص هیچ ادله‌ای بیان نمی‌کنند!</p>

۱. ازدیدگاه فرکلاف در سطح تبیین (Explanation)، سه عنصر گفتمانی (عوامل اجتماعی/ تاریخی، ایدئولوژی‌ها و اثرها) نیازمند بررسی است (فرقانی، ۱۳۸۲: ۱۰۰).

ادامه جدول ۲. تحلیل گفتمان انتقادی برنامه «ذات اسلام»

ردیف	سطوح	عناصر گفتمانی	متن و توضیحات
۱۳		ایدئولوژی‌ها	<p>- اسلام حداقل بر سه نوع است: بنیادگرایانه (یا رادیکال که در متن گفتمان مجری برنامه پرگار است)، سنت‌گرایانه (یا صدر اسلام که در گفتار کارشناس دوم برنامه مطرح می‌شود) و مدرن (که در این برنامه تعریف مشخصی ندارد). پرگار با نادیده گرفتن این طبقه‌بندی، اسلام را به اسلام بنیادگرایانه فرو می‌کاهد. حال، آیا خنده‌دار نیست که کسی بگوید مارکسیسم یعنی استالینسم و مائوئیسم؟ آیا مضحک نیست که کسی بگوید لیبرالیسم یعنی جورج بوش و دیوید کامرون؟ آیا معقول است که کسی بگوید مسیحیت یعنی موسولینی و فرانکو؟ اگر این گونه فروکاستن‌ها (در برنامه پرگار) متکی بر نقض روش‌شناسی علمی است، چرا از این روش‌ها به اسلام استفاده می‌شود؟</p> <p>- اسلام، به‌مثابه یک دین که نتوانسته امتی راستگو پرورش دهد سرزنش می‌شود. - هرچند شرکت‌کنندگان در بحث، همواره به سخنان هگل، اسپینوزا، کی‌پرگارد، شلایرماخر، مارکس، وبر و سایر دین‌پژوهان غربی ارجاع درون‌گفتمانی می‌دهند اما هرگز و حتی یک‌بار به نص قرآن، سخنان پیامبر اسلام (ص) و یا امامان (سنی و شیعه) اشاره‌ای نمی‌شود. به‌همین دلیل بدیهی است طبقه‌های مشارکت‌کننده در این بحث (حتی طبقه سوم که مخاطبان علاقه‌مند به موضوع هستند)، در نوع نگاه خود به اسلام دچار سوگیری هستند.</p> <p>- درواقع تبیین‌های تک‌علتی پدیده‌های اجتماعی، ایدئولوژیک و کاذبند. هیچ پدیده اجتماعی را نمی‌توان فقط با یک علت تبیین کرد. وقتی موضوع بحث ذات اسلام باشد و نشان‌گاه آن مسائل جامعه ایران شود، این نوع فروکاستن قطعاً نادرست است؛ چون نه‌تنها با تبیین تک‌علتی ایدئولوژیک مواجه هستیم، بلکه مدعیان به دنبال تقلیل همه دشواری‌ها و مسائل ایران به یک علت هستند، نه تبیین تک‌علتی یک پدیده. حداکثر مدعای معقولی که می‌توان در این زمینه ارائه می‌شود این نکته بود که: اسلام یکی از علل اصلی مسائل ایران است!</p>
۱۴		اثرها	<p>- ارجاع لفظی و معنایی اسلام به نهاد زندان (اوین و کهریزک) و هم‌نشینی آن با مهم‌ترین عبادت مسلمانان (خواندن نماز)، از ابتدا و در حین گفت‌وگو با میهمانان برنامه، به مخاطبان القا می‌کند که استفاده خشونت‌آمیز از قوای قهریه در ایران، همان ذات اسلام است!</p> <p>- دروغ‌گویی به‌منزله یک پدیده منفی اجتماعی که از صفات‌های زشت و ناپسند اخلاقی است و در ادیان مختلف (و حتی اسلام و کتاب آسمانی قرآن) نیز امری مذموم و ناپسند تلقی شده، در این برنامه به اسلام نسبت داده می‌شود!</p>

۱ خداوند در قرآن (زمر: ۳) می‌فرماید: إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ (خداوند آن کس را که دروغگو و کفران‌کننده است هرگز هدایت نمی‌کند) و نیز (آل عمران: ۶) فَتَجْعَلُ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ (و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم).

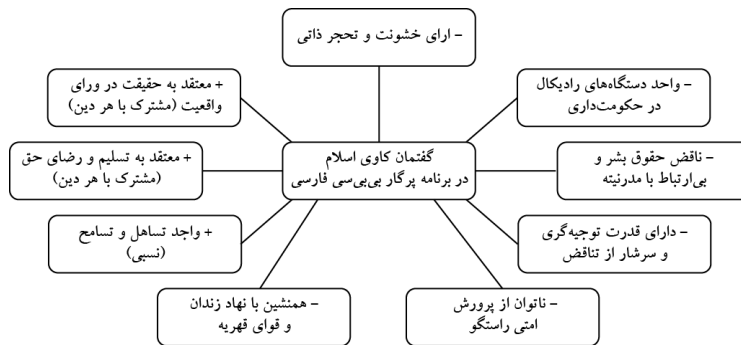
ادامه جدول ۲. تحلیل گفتمان انتقادی برنامه «ذات اسلام»

ردیف	سطوح	عناصر گفتمانی	متن و توضیحات
			<p>- مسئولان فعلی نظام جمهوری اسلامی، بنیادگرایانی سطحی‌نگر و فاقد نگاه رحمانی به ذات اسلام تصور شده‌اند.</p> <p>- اسلام دارای دو نوع احکام عبادی و غیرعبادی است. احکام عبادی هیچ ارتباطی با اداره جامعه توسط دولت ندارد؛ هرچند گفتمان برنامه پرگار، آثار عبادی و غیرعبادی اسلام را خلط موضوع کرده و اسلام را به‌مثابه یک کل، مقصر این وضعیت (قوای قهریه و هر نوع نابسامانی اجتماعی، سیاسی و دینی) بیان می‌دارد.</p> <p>- در تشریح چرایی وجود زندان در این برنامه پرگار، هیچ اشاره‌ای به نص قوانین کیفری ایران نمی‌شود؛ باید توجه داشت که مجازات‌های کیفری جمهوری اسلامی دو نوع‌اند: مجازات‌هایی که در قرآن و سنت آمده و حدود و قصاص و دیات خوانده می‌شوند و مجازات‌هایی که نمایندگان مجلس تحت‌عنوان تعزیرات (که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است از قبیل حبس و جزای نقدی و شلاق که میزان شلاق بایستی از مقدار حد کمتر باشد - ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی) و مجازات‌های بازدارنده (مجازات بازدارنده، تأدیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به‌منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می‌شود؛ از قبیل حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین و مانند آن - ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی) آن‌ها را به تصویب رسانده‌اند؛ بنابراین دعوت از یک کارشناس حقوقی در هردو پنل این برنامه، می‌توانست اثر بهتری در ابعاد فرااجتماعی این قضیه داشته باشد.</p>

### نتیجه‌گیری

این مقاله در پیوند با آموختاری که شگلف بر طبقه‌بندی اعضا ارائه کرده (۲۰۰۷)، به تحلیل گفتمان انتقادی برنامه پرگار (با تمرکز بر موضوع دین اسلام) پرداخته است تا مخاطب مقاله به این حقیقت توجه کند که در کنار هم نهادن ابزارهای طبقه‌بندی، ممکن است توصیف اولیه را نیازمند اقدام‌های بعدی در تحلیل فرایند و آنچه ساکس «مترتب بر کفایت آن» می‌پنداشت، بداند. تباین در قیاس با نوعی دیگر از توصیف شکل می‌گیرد؛ چیزی که می‌توان آن را توصیفی از جستار نظم‌یافته خواند که واقعاً نیاز به چنان کنارهم‌نهادنی دارد تا کفایت توصیف را تضمین کند و آن‌را به بستری مکفی برای هرگونه استنباط و اقدام متعاقب خود بدل کند و این همان

چیزی است که تحلیل گفتمان انتقادی در پی آن است. ساکس، ادعا دارد که اتخاذ ابزار طبقه‌بندی اعضا، به‌ازای هر تحلیل بالقوه دلخواه، ابزاری به‌منظور تصمیم‌گیری تضمینی در این باره که فرد مورد بحث، عضوی از فعالیت‌های مقید به طبقه است، فراهم می‌آورد. اسلام به‌مثابه یک گفتمان دینی متأخر و برخوردار از ظرفیت بالای کنشگری، همواره محل بحث و منازعه بوده است. تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی نیز در برنامه نخبه‌ساخت خود، پرگار، چندین سوپه دینی و مذهبی را با دعوت از کارشناسان و مهمانان به نقد و گفت‌وگو گذاشته است که تحلیل جداگانه همه این برنامه‌ها در این مقاله میسر نبود، اما در پیوند با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف به یکی از این برنامه‌ها به‌طور کامل اشاره شد و در بحث از طبقه‌بندی اعضا نیز به بخش‌هایی از سایر برنامه‌های پرگار که مرتبط با گزاره‌هایی با موضوع اسلام بود، به ضرورت اشاره رفت؛ نمودار ۲، گفتمان کاوی اسلام را در برنامه‌های مذهبی پخش شده از پرگار با تأکید بر برنامه «ذات اسلام»، نشان می‌دهد.



نمودار ۲. گفتمان کاوی «اسلام» در برنامه پرگار بی‌بی‌سی فارسی

این نمودار که گفتمان کاوی اسلام را در برنامه پرگار بی‌بی‌سی فارسی نشان می‌دهد، گویای آن است که از بین واژگان و تعابیر به‌کاررفته برای اسلام تنها در حدود یک‌سوم گفتمان این برنامه را می‌توان نسبتاً مثبت یا حتی معادل سایر ادیان (در دو/سه مورد) در نظر گرفت (یعنی دوایری که در ابتدای گزاره‌های نوشته‌شده در آن‌ها علامت + درج شده) و دوسوم دیگر، منفی و در بسیاری از مواقع مبتنی بر کلیشه‌های ضداسلامی بوده است. تحلیل گفتمان انتقادی و انطباق آن با ابزار طبقه‌بندی اعضا، نیازمند پیگیری و بسترسازی مدعاها در چارچوب آن داده‌ها و استفاده از منابعی است که طی زمان تولید متن، فراتر از هر متن - به‌مثابه فرایند و زمینه اجتماعی، تاریخی و فرهنگی حاکم بر آن -



در بیان هر مفهوم ایجاد شده و بسط یافته است. تلاش‌های انجام‌شده در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی، دست‌کم تا زمان نگارش این مقاله، کمتر به این سمت هدایت شده بود. به‌همین دلیل، این پژوهش مبتنی بر سازمان فکری ساکس و شگلف که طرح اولیه‌ای از ابزار طبقه‌بندی اعضا را برای خوانش متون ارائه داده بودند، استوار گشت و در آن به خود طبقه‌ها و ویژگی‌های آن‌ها اشاره شد. در ادامه، گزینشی هدفمند از متون پیاده‌سازی شده<sup>۱</sup> مربوط به برنامه‌های متمرکز بر موضوع‌های دینی پرگار (با تمرکز ویژه بر برنامه «ذات اسلام») انجام گرفت و تجزیه و تحلیل عناصر کلیدی متن و فرامتن، در پیوند معناشناسانه با رویکرد نورمن فرکلاف، توصیف، تفسیر و تبیین شد.

---

۱. پیاده کردن متن، در جایی که داده‌ها به شکل مصاحبه یا شکل‌های دیگری از گفتگو باشند، ضروری است. توصیه شده است که در این نوع گفتگوها، متن یا دست‌کم متن بخش مهم‌تر از آنها را پیاده کرد و اینکه چه چیزی باید یا نباید پیاده شود بستگی به هدف تحقیق دارد (پورگسن و فیلیس، ۱۳۸۹: ۱۴۰). با این حال در این تحقیق، با وجود همه دشواری‌ها، تمام متن برنامه‌ها پیاده‌سازی شد و به ضرورت هدف در این مقاله بخش‌های عمده‌ای از آن تحلیل گفتمان انتقادی شد.

## منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- ابوالقاسمی، محمدجواد (۱۳۸۴). *به سوی توسعه فرهنگ دینی در جامعه ایران*. تهران: مرکز پژوهشی توسعه فرهنگ دینی در جهان معاصر.
- بصیریان چهرمی، حسین (۱۳۸۷). «بررسی مقایسه‌ای میزان اعتماد به اخبار سیمای جمهوری اسلامی ایران و اخبار وبسایت‌های خبری و عوامل مؤثر بر آن». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم ارتباطات*. دانشکده صدا و سیما.
- دانش، تاج‌زمان (۱۳۷۶). *حقوق زندانیان و علوم زندان‌ها در ایران و فرانسه*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۰). *المیزان*. ترجمه: محمدتقی مصباح، تهران: بنیاد علمی علامه طباطبایی.
- فردوسی، مهراوه (۱۳۹۱). «بهره‌گیری شبکه‌های ماهواره‌ای از ارتباطات آیینی: مطالعه موردی برنامه «نوبت شما» بی‌بی‌سی فارسی». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم ارتباطات*. دانشکده صدا و سیما.
- فرقانی، محمدمهدی (۱۳۸۲). *راه دراز گذار: تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران*. تهران: فرهنگ و اندیشه.
- فرقانی، محمدمهدی و اکبرزاده چهرمی، سید جمال‌الدین (۱۳۹۰). «ارائه مدلی برای تحلیل گفتمان انتقادی فیلم». *فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات*، (۱۶): ۱۵۷-۱۳۹.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۸۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*. گروه مترجمان. تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه.
- محمدخانی ملکوه، محمد (۱۳۹۰). *بررسی ساختار برنامه‌های بی‌بی‌سی فارسی*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مختاری، ندا (۱۳۸۷). «گفتمان، هویت، ایدئولوژی: بازنمایی گفتمان هویت ایرانی در بی‌بی‌سی». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم ارتباطات (مطالعات فرهنگی و رسانه)*. دانشگاه تهران.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰). *تفسیر نمونه*. مجلد چهارم. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۳). «مقدمه‌ای بر مقررات و احکام زندان در اسلام». *ماهنامه مکتب اسلام*، ۲۵، (۱): ۲۵-۱۳.
- نصر، سید حسین (۱۳۹۰). *قلب اسلام*. تهران: نی.
- نهج‌البلاغه حضرت امیرالمومنین (ع) (۱۳۸۳). ترجمه: علی شیروانی، قم: دارالعلم.
- وائلی، احمد (۱۳۷۸). *احکام زندان در اسلام*. ترجمه: محمدحسن بکایی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- یورگنسن، ماریان و فیلیس، لوئیز (۱۳۹۱). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*. ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نی.
- Berger, P. L. (1990). *The Sacred Canopy: Elements of a Sociological Theory of Religion*. London: Faber and Faber.
- Eglin, P; Hester, S. (2003). *The Montreal Massacre: A Story of Membership Categorization Analysis*. Wilfrid Laurier Press, Waterloo, Ontario.

- Fairclough, N. L. (1995). *Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language*. Harlow, UK: Longman.
- Leudar, L. & Marsland, V. (2006). "On Membership Categorization: 'us', 'Them' and 'Doing Violence' in Political Discourse". *Discourse & Society*, 15 (2-3): 243-266.
- Nekvapil, J. and Leudar, I. (2002) "On Dialogical Networks: Arguments About the Migration Law in Czech Mass Media in 1993", in S. Hester and W. Housley (eds). *Language, Interaction and National Identity*, 60-101. Aldershot: Ashgate.
- Sacks, H (1972a). "An Initial Investigation of the Usability of Conversational Data for Doing Sociology". In: Sudnow, D.N. (Ed.), *Studies in Social Interaction*. Free Press, New York, 31-74.
- Sacks, H. (1972b). "On the Analyzability of Stories by Children". In: Gumperz, J.J., Hymes, D. (Eds.), *Directions in Sociolinguistics: The Ethnography of Communication*. Holt, Rinehart and Winston, New York, 325-345.
- Sacks, H. (1992). In: Jefferson, G. (Ed.), "Lectures on Conversation", vol. 2. Blackwell, Oxford.
- Sacks, H., AND Schegloff, E. A. (1979). "Two Preferences in the Organization of Reference to Persons and Their Interaction". In: Psathas, G. (Ed.), *Everyday Language: Studies in Ethnomethodology*". Irvington Publishers, New York, 15-21.
- Schegloff, E. A. (2002). "Accounts of Conduct in Interaction: Interruption, Overlap and Turn-Taking". In: Turner, J.H. (Ed.), *Handbook of Sociological Theory*. Plenum, New York, 287-321.
- Schegloff, E. A. (2007). "A Tutorial on Membership Categorization". *Journal of Pragmatics*, 39: 462-482.